وصایای سید محمد صادق طباطبائی

باید دولت ایران در مناسبات بین- المللی خود اصول معامله متقابله را اتخاذ کند و با هر مملکت در هر باب معامله متقابله‏ کند یعنی هرچه و هرطور آنها با ما رفتار می‏کنند ما هم با آنها همانطور رفتار کنیم. در هر باب می‏توان گفت معامله متقابله باید کرد مثلا اگر دولتی اقامت و تجارت ایرانیان‏ را در مملکت خود منع کند دولت ایران هم‏ عینا همین کار را بکند و اگر در رشته‏های‏ معین منع کند ایران هم در رشته‏های معین‏ منع کند اگر فرضا دولتی تجارت قالی ایران‏ را منع کند دولت ایران هم یک یا چند مال‏ التجاره آن مملکت را که موقعیت تجارت‏ قالی ایران را در آن مملکت داشته باشد در اینجا منع کند.اگرچه این رویه در بعضی جاها ممکن است بر ضرر ایران باشد لکن در اکثر جاها بنفع ایران خواهد بود و لهذا رویهم‏ رفته ما از آن استفاده می‏کنیم.

البته فعلا در باب طیب نمی‏توانیم اینکار را بکنیم زیرا هنوز مدرسه طب ما لایق آن‏ نیست که مدعی آن باشیم که اطباء ما در اینجا باید طبابت کنند لکن این را می‏توانیم اولا بمنزله اصلاح و تکمیل قطعی مدرسه طب‏ اقدام کرده رفع کلیه نواقص آنرا بکنیم که‏ ایرادی بر آن وارد نباشد و تا وقتی که این‏ اصلاح تکمیل نشده اولا این اصل را نسبت به‏ ایرانیان تحصیل کرده خارجه مجری داریم‏ ثانیا نسبت به جواز طبابت خارجه‏ها اجازه‏ و امتحان قائل شویم و هر طبیب مهم که وجودش‏ برای ما لازم باشد اجازه بدهیم و سایرین را نیز تشویق بکنیم که تابعیت ایران را قبول‏ کنند و برای آنکه اتباع خارجه تابعیت را وسیله استفاده و تدمیر کار خود قرار ندهند یعنی تابعیت ایران را وقتی قبول کرد بعد از سالها کار و جمع‏آوری سرمایه مملکت‏ خود رفته ترک تابعیت کنند باید قانونی وضع‏ کرد که اینطور اتباع جدید ایران بدون‏ اجازه مخصوص نتوانند از مملکت خارج‏ شوند و هر وقت هم اجازه بخواهند مرجع‏ مربوطه در خصوص اموال آنان تفتیش کند که اموال خود را نگذارند و بروند و برگردند یا نتوانند در این باب که قسمت را قریب‏ دهند.

وکلای دادگستری:

باید وکلای دعاوی مسئل باشند و اگر بواسطهء عدم لیاقت و خبطهای فاحش‏ اسباب ضرر موکل ذیحق خود شدند یعنی‏ تعهد کاری کرده که از عهدهء آنها خارج بود و یا عمدا تقلبی کرد یا مسامحه و مساهله کرد باید محاکمه شده مجازات و ممنوع از وکالت‏ شوند.

اساسا باید برای وکلاء حدی قرار داد و از حیث لیاقت و معلومات طبقه‏بندی‏ کرد و هرکسی بقدر استعداد خود کار قبول‏ کند.وکلاء ناقابل نباید کارهای‏ بزرگ قبول کنند.

\*\*\* باید یکنوع آکادمی کار ترتیب‏ داد در تحت نظر بلدیه و نمایندگان اصناف‏ و صنعت کار که دو وظیفه داشته باشند یکی ترقی صنایع خود،دوم تعیین درجه لیاقت‏ هر یک و بعلاوه اجرت و قیمت هر کار را معین‏ کنند که هرج و مرج امروز صنایع و اجرتها از میان برداشته شود.

\*باید مدالها و نشانهای تجارتی‏ و صنعتی ترتیب داد بنام مدال برنزی تقدم‏ تمحید و تحسین،افتخار،شرافتمندانه و از این‏ قبیل و به کسانی از تجار و صنعت- گران داده شود که از جهت صحت عمل و درستکاری و با حسن رفتار و حسن عمل یا حسن سلیقه در نظم و ترتیب امتعه و ذوق مناسب‏ در تمیزی و قشنگی و حسن ظاهر احساس‏ یا دقت وحدت در ترقی و خوبی و امتیاز آنها بکار برده باشند.برای هریک از این چهار موضوع(درستکاری-حسن معامله-ذوق‏ و سلیقه-ترقی متاع)یک نوع مدال و یک‏ نوع نشانه باید ترتیب داد و آنرا بدرجات‏ متعدده از یک تا پنج درجه مرتب نمود.

بعلاوه برای اولیت و برتری هم نشانی جدا- گانه باید ترتیب داد و هیئتی از اعضاء انجمن- های صنفی باید تعیین نمود و همه ساله بکار داوطلبان باید رسیدگی شود.هر کدام‏ شکایتی از آنها نشده محکوم نشده باشند و به ترتیبی که نظامنامه معین کند استحقاق‏ آنان در مراتب چهار گانه مذکور ثابت شده‏ باشد مدال درجه اول به آنها داده شود اگر در سال بعد هم استحقاق حاصل کنند مدال‏ دوم و همچنین بعد از داشتن پنج درجه مدال‏ نشان درجه پنجم بگیرند.

\*اگر قوانین پاداش راجع بتنظیم‏ کسب و کار صنعت مجری نشود متدرجا فساد اخلاق و تقلبات و دزدی‏های آنها زیاد می‏شود و رفته رفته سبک حالیه را فراموش می‏کنند و بکلی تجارت و کسب و صنعت از دست ایرانی‏ خواهد رفت.

\*شاید بهتر این باشد که مؤسسه‏ صنایع قدیمه ملی در اصفهان ایجاد شود زیرا اولا اصفهان از حیث ذوق و استعداد بهتر از تهران است ثانیا اجرت در اینجا ارزانتر است فقط از حیث سلیقه و ساخت ممکنست‏ تهران ترجیح داشته باشد آنهم چون در تحت‏ نظر و اداره تهران کار می‏کنند جبران این‏ نقص‏ها می‏شود.

بعد از تأسیس این مؤسسه مملکت متدرجا بعصی رشته‏های ان در مؤسسه‏ای که برای‏ فقراء در تهران ایجاد می‏شود و بموجب این‏ قانون منع آزادی تکدی تأسیس می‏شود نیز بوجود آورند.

\*باید از طرفی مثل اشتراکی‏ها مانع‏ تملک موروثی یا مالکیت نباشد زیرا ترقی‏ ممکن نخواهد شد.چون بشر فقط امور دنیا را برای دنیا بعهده می‏گیرد و تمام جد و جهد ها چه در راه علم یا صنعت یا غیر آن برای‏ منافع و شرکت شخص است و اگر آن برای‏ کوشش باقی بماند حتی ما این را در کوچک- ترین موضوعها یعنی در املاک مالکین بزرگ‏ و خورده مالک تجربه می‏کنیم که رعیت‏ شرکت کار با وجود سهم خود هیچوقت ملک‏ را مثل رعیت مالک نمی‏تواند آماده کند. اتومبیل یا درشکه که ملک راننده باشد یا راننده اجیر بوده و ملک دیگری باشد زمین‏ تا آسمان با یکدیگر فرق دارد.